

## نگاهی به پناهندگی در فقه و حقوق بین‌الملل

رقیه کریمی<sup>۱</sup>

### چکیده

پناهندگی و جست‌وجو برای یافتن مأمنی مناسب برای فرار از خطرات تهدیدکننده، پدیده‌ای به‌قدمت تاریخ بشری است. از جمله مباحثی که فقه امامیه و حقوق بین‌الملل به آن اهتمام ورزیده، مسئله پناهندگی است. وجود احکام و مقررات مفصل راجع به پناهندگی در فقه، اشاره صریح قرآن‌کریم و روایات اسلامی به حق پناهندگی و اهمیت و تبیین حقوق پناهنده، از جمله دلایل انجام این تحقیق است. در حقوق بین‌الملل نسبت به رعایت حقوق پناهندگان تأکید شده است. علم‌رغم وجود این تأکيدات و تشکیل کنوانسیون‌ها و اتخاذ تدابیر گوناگون در این عرصه، به واسطه فقدان ضمانت‌اجرائی قوی در این خصوص دولت‌های پذیرنده پناهنده خود را ملزم به رعایت این مقررات نمی‌دیدند. در نتیجه، در جهان شاهد تعداد زیادی از انسان‌های پناهنده هستیم. این مقاله، با رویکرد نظری و اسنادی، ضمن بررسی مبانی پناهندگی در فقه و حقوق بین‌الملل، حقوق و تکالیف متقابل دولت‌های پذیرنده و پناهندگان را مورد بحث قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: پناهندگی، امان، بیگانه، آموزه‌های فقهی، مبانی حقوق بین‌الملل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد. دریافت: ۸۹/۲/۲۵

— پذیرش: ۸۹/۶/۱۱.

## مقدمه

می‌شود که به دلایل مختلف مجبور به ترک مکانی می‌شوند و به جایگاه دیگر پناه می‌برند.<sup>۲</sup>

کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در ماده ۱ تعریف فراگیر از پناهنده ارائه داده و می‌گوید: پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد و در خارج کشور محل سکونت عادی (کشور اصلی خود) به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد.

طبق تعریف مذکور:

الف. پناهنده از نظر منابع بین‌المللی بیگانه‌ای است در کشور پذیرنده که به دلیل ترس از تعقیب و نیز نجات جان و مال و آزادی خود به کشور دیگری پناهنده می‌شود.

ب. عنصر اساسی در علت پناهندگی ترس موجه از تعقیب و آزار است که تشخیص و احراز آن با کشور پذیرنده است و آن کشور با بررسی همه‌جانبه در مورد دلایل درخواست پناهندگی یا این دلایل را می‌پذیرد یا رد می‌کند.<sup>۳</sup>

## تاریخچه پناهندگی

با یک نگاه اجمالی و دقت نظر در دوران قبل و بعد از اسلام در ادیان و نظام‌های حقوقی دیگر، به این مبنا می‌رسیم که امان و پناهندگی اختصاص به اسلام ندارد، اگرچه که در حوزه اسلام این پدیده وسیع‌تر از ادیان و نظام‌های حقوقی دیگر مطرح بوده است. دلیل آن ایناست که پیشینه این مسئله به سابقه عمر بشر در روی کره‌خاکی برمی‌گردد و حتی این مسئله در بین حیوانات مطرح بوده؛ حیواناتی که مورد ظلم هم‌نوعان و یا انسان‌ها قرار می‌گرفتند. انسان‌ها به منظور خروج از تیررس ظلم، به دیگران پناه می‌بردند؛ زیرا از روز خلقت اولیه انسان که مدنی‌الطبع آفریده شده، همیشه در اجتماع عده‌ای که احساس قدرت بیشتری می‌کردند، به زبردستان خود ظلم‌رو داشته، آنها را برده خود می‌گرفتند. در مقابل، مظلومانکه توان مقابله با ظالم و تحمل ستم او را در خود نمی‌دیدند، چاره‌ای جز پناه نداشتند.<sup>۴</sup>

با مطالعه در تاریخ می‌بینیم که هر جا قانونی تدوین می‌گردید اعطای پناهندگی از جمله بندهای آن بوده است. برای مثال، این موضوع در یونان از مهم‌ترین مسائل حقوق بین‌الملل به

انسان همیشه در طول تاریخ در مقابل برخی از تهدیدات طبیعی و غیرطبیعی سعی داشته است پناهگاه مناسبی برای ادامه حیات خود تهیه نماید. هر کس بنا به عللی جانبا حقوق خود را به مخاطره بیند حق دارد به کشور دیگری پناه برد. هر پناهنده علاوه بر اینکه طالب امنیت‌جانی است باید بتواند احتیاجات اولیه خود و خانواده‌اش را مرتفع سازد. از این‌رو، زیستن در هر کشوری با ثبات سیاسی بیشتر و استفاده از مزایای رفاهی آن، رؤیای هر پناهنده‌ای است. به هر پناهنده‌ای امکاناتی از قبیل سرپناه، نان، آب و تحصیل فرزندان خانواده داده خواهد شد. آنچه قابل تأمل می‌باشد این است که چه برسر پناهنده و خانواده او خواهد آمد، با آنان چگونه رفتار می‌شود، و هویت اجتماعی و آداب و رسوم چه خواهد شد؛ بخصوص وداع با خاکی که ریشه در آن دارد. پناهندگی حقیقی است که به موجب آن، هر کس که به علل نژادی و مذهبی یا ملیتی یا عضویت در گروه‌های سیاسی یا اجتماعی، جان و یا حقوق بنیادین خود و خانواده‌اش را در خطر ببیند، می‌تواند به کشور دیگر پناهنده شود. پناهندگی از جمله حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته و تمامی افراد بدون هیچ‌گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، مذهب و یا سرزمین‌اصلی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

پناهندگی در فقه اسلام هم از جمله نهادها و حقوقی است که تحت عنوان «استجاره، امان و زهار» آمده است و اکثر کتب معتبره فقهی در باب جهاد بحث مفصلی را تحت این عناوین آورده‌اند. استجاره و امان در واقع نوعی قرارداد مصونیت سیاسی بیگانگان در کشور اسلامی است که به موجب این اصل، دولت اسلامی و یا هر فرد مسلمان در هر حال می‌تواند به بیگانه‌ای که قصد اقامت موقت در کشور اسلامی را دارد امان بدهد. از این‌رو، حقوق پناهندگان به عنوان یکی از موضوع‌های حقوق بین‌الملل خصوصی به ویژه در دو دهه اخیر مورد توجه فراوان قرار گرفته است، لکن به این موضوع در نوشتارهای فارسی کمتر پرداخته شده و تألیفات راجع به آن بسیار نادر است. از عمده‌ترین قوانین و مقررات بین‌المللی، می‌توان به کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد وضعیت پناهندگان اشاره کرد.

در فقه، به کسی که دین اسلام ندارد و با حکومت اسلام عقد ذمه منعقد نکرده، ولی به اذن دولت اسلام به منظور تجارت و یا نیاز دیگر وارد قلمرو اسلامی می‌شود (چون به او امان از تعرض داده شده)، مستأمن (در مقابل معاهد) گویند، و امانش به طور مطلق و مقید به و قتمعینی نیست.<sup>۱</sup>

در اصطلاح فقهی نیز پناهنده به فرد، افراد یا گروهی اطلاق

شمار می‌آید. یکی از معاهدات میان‌دولت - شهرهای یونان چنان دقیق و کامل تهیه و تنظیم‌گردیده که تا قبل از قرن نوزدهم میلادی اثری همانند آن به چشم نمی‌خورد.

مهم‌ترین مقرراتی که ناشی از معاهدات فوق می‌باشد و بعدها توجه جهانیان را برانگیخت و از قواعد حقوق‌بین‌الملل محسوب می‌شود عبارت است از:

۱. شناسایی حق آزادی شخصی و صیانت از دارایی‌برای اتباع دولت - شهر متعاقد؛
۲. تأسیس نهاد «تأمین‌دگی» یا «سرپرستی». (نمایندگیا سرپرست که تقریباً همان کنسول امروزی است، وظیفه‌حمایت از اتباع را در دولت - شهر خارجی و نیز یکسلسله وظایف سیاسی را بر عهده داشت)؛

۳. داوری، طریقه حل اختلافات مرزی و حقوقی‌طرفین بود. در این مورد معمولاً کشور ثالثی به عنوان‌داور انتخاب می‌شد و داوری مفهوم سیاسی می‌یافت.

۴. تأسیس اتحادیه‌های سیاسی موسوم به «آمفیکسیون»؛

۵. مصونیت سفیران؛

۶. حرمت؛ یعنی احترام به بی‌طرفی بعضی از مکان‌ها؛

۷. تحکیم عهدنامه‌های صلح با ادای سوگند؛

۸. احترام به اجساد کشته‌شدگان در جنگ؛

۹. شناسایی حق پناهندگی.<sup>۵</sup>

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، در این مجموعه بند ۵ و ۹ ناظر به رسم پناهندگی و احترام و لزوم دفاع از پناهندگان است. بنابراین، رسم پناهندگی در میان مردمیونان به صورت جدی مطرح بوده است. همین‌طور جامعه مسلمان نیز به حکم اینکه در مهد شرک و بت‌پرستی پدید آمد و اصول و معیارهای اجتماعی این‌مکتب در تضاد مستقیم با عقاید بت‌پرستانه مردم عرب بود، از همان آغاز، بزرگان عرب و به ویژه تجار و ثروتمندان قریش با آن به ستیز برخاستند و مسلمانان‌خستین به علت عدم قدرت کافی، مجبور بودند از اصل‌پناهندگی سیاسی به طور جدی استفاده کنند. متأسفانه‌ظهور اسلام در شهر مکه و حضور مسلمانان در این شهر نیز، با همه احترام ویژه‌ای که اعراب برای حرم امن الهی‌قایل بودند، نتوانست مصونیت کافی برای مسلمانان‌فراهم آورد. از این‌رو، شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دیگر مسلمانان و به ویژه افرادی که از حمایت و پشتیبانی قبیلوه طایفه نیرومندی برخوردار نبودند، سخت تحت‌تشنجه و آزار مخالفان قرار داشتند و در منطقه‌ای که مجرمان با آرامش می‌زیستند، پرچمداران آزادی و ارزش‌های انسانی در فشار و اضطراب به سر می‌بردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شخصاً به خاطر حمایت بنی‌هاشم دست‌کم از نظر جانی مصونیت داشت، ولی دیگر مسلمانان در معرض آزار و اذیت بیشتری بودند و گاهی

جان آنان نیز در معرض خطر قرار می‌گرفت. بدین‌روی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تصمیم گرفت با استفاده از اصل پناهندگی، مسلمانان را برای پناهندگی به کشور حبشه اعزام نماید؛ زیرا می‌دانست نجاشی پادشاه حبشه، مردی استعدالت‌پیشه و انتظار می‌رفت که از مسلمانان حمایت‌نماید تا دشمنان نتوانند نسبت به آنان سخت‌گیری نمایند. عملاً آنچه که انتظار می‌رفت رخ داد و هنگامی که نجاشی از پناهنده شدن مسلمانان به کشورش مطلع گردید و بامناطق آنان آشنا شد، پیشنهاد مردم مکه را نسبت به استرداد پناهندگان مسلمان رد کرد و اعلام کرد تا هنگامی که مسلمانان در سرزمین حبشه زندگی کنند در پناه او خواهند بود.<sup>۶</sup>

#### پناهندگی در فقه

در فقه عنوانی به نام «پناهندگی» وجود ندارد و به جای آن از عباراتی نظیر امان، زنهار و معاهد استفاده شده است. این تأسیس حقوقی در واقع، قرارداد پیمان مأمونیت و مصونیت بیگانگانی است که قصدشان عبور از کشور اسلامی و یا اقامت موقت در آنجاست. بنابراین، اعطای امان به کفار از طرف مسلمانان با انعقاد قرارداد امان است. این قرارداد از نوع عقد محسوب شده که نیازمند ایجاب و قبول است، که بعد از انعقاد قرارداد حقوق و وظایفی برای طرفین (مؤمن و مستأمن) ایجاد می‌شود.<sup>۷</sup>

در فقه امامیه تعدادی از فقها از جمله شیخ طوسی پناهنده را معادل مستأمن گرفته و حقوق و تکالیف پناهنده را همان حقوق و تکالیف مستأمن دانسته‌اند و معتقدند: مستأمن و معاهد کسی است که برای مدت محدود نه برای اقامت دائم وارد کشور اسلامی می‌شود.<sup>۸</sup>

در مقابل، برخی دیگر از فقها و صاحب‌نظران معتقدند که پناهنده از نظر فقه اسلامی محدود به مورد مستأمن نمی‌شود؛ چون در صورت قبول نظر گروه نخست دولت اسلامی موظف به دفاع از پناهندگان در برابر خطرات خارجی نیست و تنها لازم است دولت اسلامی و افراد مسلمان که تحت فرمان این دولت‌اند مزاحمتی برای مستأمنین ایجاد نمایند؛ زیرا فرد مستأمن از ترس ظلم قدرت‌های دیگر به دولت اسلامی پناه نبرده‌است، بلکه عقد امان صرفاً برای رفع خطر از جانب دولت اسلامی با مستأمن منعقد می‌شود و این، متفاوت با مفهوم پناهندگی در حقوق بین‌الملل و حتی حقوق داخلی کشورهاست. به موجب تعریف پناهندگی در حقوق موضوعه، کشور میزبان گذشته از عدم تعرض به پناهنده، متعهد می‌گردد از جوار خویش در مقابل هر خطری

وتجاوززی دفاع نماید. بر این اساس، پناهنده فردی است که به واسطه عواملی مانند ترس از ظلم و ستم دیگران، به دولت اسلامی پناهنده شده و سزاوار آن می‌باشد.<sup>۹</sup>

بنابراین، پناهنده فردی است که برای فرار از ظلم و طغیان دیگران و نجات دادن خود و یا افرادی که مسئولیت حمایت از آنان را بر عهده دارد، به کشور دیگر روی آورده و در صدد است از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن کشور استفاده کند و امنیت لازم را به دست آورد. در حقیقت، همه کسانی که به موجب آیه ۷۵ سوره «نساء» «وَمَا لَكُمْ لَأْتِيَائُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ...» خداوند متعال، مسلمانان را به دفاع از آنان فراخوانده، در صورت پناهندگی مصداق بارز پناهنده خواهند بود.<sup>۱۰</sup>

در آیه ۶ «توبه» آمده است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود؛ پس او را به مکانی امن که می‌خواهد برسان.

با توجه به این آیه شریفه، پناهندگی در اسلام مورد قبول واقع شده است. اگرچه اصل پناهندگی مورد پذیرش می‌باشد، اما در مورد تعریف آن اتفاق نظری وجود ندارد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، فقها پناهندگی را در این آیه خلاصه کرده و مبنا را بر آن قرار داده‌اند. برخی از حقوق دانان و فقها امن و پناهندگی را به صورت زیر تعریف نموده‌اند: دادن تأمین جانی و مالی به دشمن به طور موقت یا مطلق یا دائم به موجب پیمان‌های مخصوص.<sup>۱۱</sup>

علامه حلی پناهندگی را این‌گونه تعریف نموده است: عقد امن، متارکه با کفار به منظور پذیرفتن درخواست آنها مبنی بر مهلت دادن است.<sup>۱۲</sup>

با توجه به موارد مذکور، می‌خواهیم تعریف تقریباً کاملی را از تعاریف گذشته ارائه دهیم. پناهندگی به عنوان یک حق، وضعیتی است که به موجب آن فرد مجبور می‌شود که به کشوری پناهنده گردد. این وضعیت به تعبیر اعلامیه حقوق بشر اسلامی در ماده ۱۲ به گونه‌ای است که فرد در صورت تحت ظلم قرار گرفتن و یا به واسطه ترس از جان و مال و خانواده (آن‌هم به دلایلی که به خاطر جرم طبق موازین شرع نباشد) مستحق پناهندگی می‌شود. در این صورت، باید به وی پناه داد.

### ماهیت پناهندگی

فقها برای تجویز پناهندگی به آیه ۶ سوره «توبه»

استناد نموده‌اند: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهنش ده تا اینکه سخن خدا را بشنود. سپس او را به جای امن خودش برسان. ایشان همچنین با استناد به روایات وارد از اهل بیت علیهم السلام پناهندگی را نوعی عقد دانسته‌اند که برای انعقاد آن اهلیت طرفین است. از جمله این روایات، حدیث عبداللّه بن سلیمان است که می‌گوید: از امام باقر علیهم السلام شنیدم که می‌فرماید: هیچ مردی نیست که مردی را امان بدهد سپس او را بکشد، مگر اینکه پدر روز قیامت پرچم مکر و حیله را به دوش می‌کشد.<sup>۱۳</sup>

در کتاب *الاسلام و العلاقات الدولیه* پناهندگی و امانین‌گونه تعریف شده است: امان عبارت از عقدی است که خداوند وفای به آن را دستور داده است و با ایجاد و قبول منعقد می‌شود؛ ایجاب از طرف امان‌دهنده و قبول از طرف مستأمن یا بر عکس. و این مسئله از فعل و سیر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فهمیده می‌شود؛ چون هنگام فتح مکه به اهل مکه امان داد.<sup>۱۴</sup>

البته برای تحلیل ماهیت پناهندگی، بجاست برخی از نظرات فقها را از نظر بگذرانیم: شهید ثانی در شرح *لعمه* پناهندگی و امان را عقد دانسته، که با هر لفظ و یا کتاب یا اشاره مفهومی منعقد گردد.<sup>۱۵</sup>

پس پناهندگی عقدی است که به موجب آن یک‌سری مسئولیت‌هایی بر طرفین عقد بار خواهد شد که به موجب این عقد، طرفین مکلف خواهند شد به تعهدات متقابل خود عمل کنند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند. به همین دلیل، در عقد پناهندگی به موجب مسئولیت‌ها و تعهداتی که برای پناهنده یا پناهندگان و دولت پناهنده‌پذیر ایجاد می‌شود، هر یک از ایشان موظف هستند تعهدات خود را نسبت به دیگری اجرا کنند.

به نظر می‌رسد که آیه ۶ سوره مبارکه «توبه» دلالت بر تکلیف دولت اسلامی در پذیرش پناهندگان و حق پناهنده‌برای پذیرفته شدن دارد؛ زیرا در آیه به طور صریح آمده است: در صورت درخواست متقاضی پناه باید به او پناهندگی داده شود. اما با دقت در شأن نزول آیه این برداشت منتفی می‌شود؛ زیرا ذهنیت مسلمانان در آن زمان این بود که نباید به مشرک پناه داد. نزول این آیه سبب زدودن این ذهنیت شد؛ زیرا پس از آن همه تأکید بر عدم مصالحه و سازش با مشرکان، امر به پناه دادن آنها داده می‌شود.<sup>۱۶</sup>

صاحب جوهر تصریح به عقد بودن پناهندگی

نموده‌است.<sup>۱۷</sup> شیخ طوسی در **المسبوط** اعتقاد به عقد بودن پناهندگی دارد و اشاره به تکلیف پذیرش پناهندگی ندارد.<sup>۱۸</sup> همان‌گونه که از نظرات فقها برمی‌آید هیچ‌اشاره‌ای به تکلیف بودن پذیرش درخواست پناهندگی از طرف دولت اسلامی وجود ندارد، اما ممکن است ایناشکال وارد شود بر اینکه در صورت تکلیف دولت به پذیرش پناهندگی، عقد بودن آن منتفی می‌شود. می‌تواند این ایراد این‌گونه پاسخ داد که ثمره اصلی در هر عقدی درج شرایط ضمن عقد است؛ یعنی دولت اسلامی مکلف به درخواست پذیرش پناهندگی است.<sup>۱۹</sup>

### انواع پناهندگی

پناهندگی در فقه اسلام از جنبه‌های مختلف، تقسیماتی دارد و این مسئله بیانگر اهمیت دادن اسلام به مسئله پناهندگی بی‌پناهان و صلح و آرامش جامعه انسانی است. در اینجا به اجمال به برخی از انواع پناهندگی اشاره می‌شود.

#### الف. پناهندگی از لحاظ هدف و منظور متقاضی

۱. پناهندگی سیاسی: در شناخت مسئله پناهندگی سیاسی باید ابتدا مبانی کلی جغرافیای سیاسی را بدانیم. کره زمین به چهار منطقه سیاسی تقسیم می‌شود که عبارتند از: دارالاسلام، دارالموادعه، اراضی خراجیه و ذمیه، و دارالحرب.

از میان این چهار منطقه فقط اهالی دارالحرب حق بهره‌مندی از قانون استجاره و تأمین اسلامی را دارند و می‌توانند از تسلط شرک و کفر مهاجرت کرده و پناهنده‌اسلام شوند. در صورت استجاره کفار دارالحرب، دادن پناهندگی سیاسی به آنان، طبق نص قرآن و سنت پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام بلامانع است. همچنین افرادی که به عنوان سفیر، قاصد، نامه‌رسان و واسطه، از طرف دشمن و از دارالحرب به کشور اسلامی می‌آیند، در مدت مأموریت و اقامتشان در مملکت اسلامی جزو پناهندگان سیاسی محسوب می‌شوند و از تأمین جانی، مالی و عرضی در کشور اسلامی برخوردارند. افراد کافری که در اثر عدم‌گاهی از مبانی اصول و موازین اسلامی، نسبت به اصالتان شک داشته باشند در صورت استجاره و درخواست پناهندگی می‌توانند تحت حمایت و تأمین جانی و مالی مسلمانان قرار بگیرند و در اصالت دین تحقیق کنند. این‌گونه افراد پناهنده سیاسی محسوب می‌شوند.

۲. پناهندگی اقتصادی: طبق قانون استجاره و تأمین اقتصادی بازرگانان کفار می‌توانند با امنیت کامل تجاری در کشور مسلمانان به امر بازرگانی و انجام معاملات اقتصادی اقدام نمایند.

البته اعطای چنین پناهندگی بستگی به میزان نیازی دارد که جامعه اسلامی نسبت به کالاهای وارداتی آنان و صدور کالاهای مورد نظر تولیدی خود احساس می‌کند.

۳. پناهندگی نظامی: منظور از امان نظامی درخواست پناهندگی کفار در صحنه‌های جنگ است که طبق شرایط ضوابط خاصی، سربازان و فرماندهان ارتش و امام‌مسلمانان به چنین کسانی تأمین می‌دهند و در نتیجه، اعطای چنین تأمینی آنان را از اسارت، و اموالشان را از غارت و غنیمت حفظ می‌کند.<sup>۲۰</sup>

#### ب. پناهندگی و امان از لحاظ شخصیت امان‌دهنده

۱. امان رسمی: امانی است که رسماً حکومت اسلامی به‌طور عموم (مثلاً به اهالی یک شهر) یا به طور خصوصی اعطا می‌کند.

۲. امان غیررسمی: منظور امانی است که هر فرد مسلمان‌عادی می‌تواند به بیگانه اعطا کند. امان رسمی یا غیررسمی ممکن است به صورت صریح باشد یا انعقاد قرارداد کتبی و یا ضمنی. منظور از امان ضمنی، هرگونه عمل یا بیان غیر صریحی است که به گونه‌ای امان از آن استفاده می‌شود.<sup>۲۱</sup>

#### ج. امان از لحاظ موضوعیت

۱. امان عام: امانی است که مخصوص امام یا نایب امامی باشد. این نوع امان به خاطر مصالح عام داده می‌شود و به جمعیت فراوانی از بیگانگان اعطا می‌گردد.

۲. امان خاص: امانی است که توسط دولت اسلامی و یا احاد مسلمانان به احاد بیگانگان یا به شمار اندکی از آنها تا حدود ده نفر و کمتر از آن داده می‌شود.<sup>۲۲</sup>

#### د. پناهندگی از جنبه کمیت و تعداد پناهندگان

۱. امان مخصوص: مقصود از امان مخصوص، موردی است که به یک نفر امان داده می‌شود؛ یعنی افراد مسلمان می‌توانند به یک نفر کافر امان بدهند و به صورت عموماً دادن به اهل یک اقلیم و مملکت برای مسلمانان جایز نیست.<sup>۲۳</sup>

۲. امان عمومی: گاهی عقد امان با یک گروه و یا یک دست‌هو یا ساکنان یک نقطه بسته می‌شود. این نوع امان ویژه‌امام یا شخص منصوب از طرف اوست و مسلمانان حق ندارند به طور عمومی به کفار امان دهند و اگر امان دادند امانشان نافذ اعتبار است.<sup>۲۴</sup>

#### حقوق مستأمن (پناهنده)

هرگاه فردی مورد امان قرار می‌گیرد مسلمانان اعم از عالی‌مقام و دون پایه موظفند از هر نوع تعرض به جان و مالوی اجتناب کنند که از آن می‌توان به عنوان «مصونیت از تعرض» یاد کرد. به موجب آیه امان: اگر مشرکی تقاضای امان نمود به او اعطا کنید تا زمانی که کلام الهی (معارف اسلامی) را بشنود؛ یعنی اینکه آنها را قبول کند.<sup>۲۵</sup>

### حق ورود و خروج

براساس عقد امان، مستأمن امکان حضور در دارالاسلام را پیدا می‌کند و در مدتی که در آنجا حضور دارد دولت اسلامی مکلف به حفظ امنیت وی می‌باشد. از آزادی درانجام فرایض مذهبی برخوردار می‌باشد و همچنین حقتردد در داخل دارالامان را دارد.

### حقوق مؤمن (پناه‌دهنده)

همان‌گونه که به موجب قرارداد امان برای مستأمن حقوقی قابل قبول است، مؤمن هم از حقوقی برخوردار است و مستأمن نسبت به مؤمن تکالیفی را برعهده دارد؛ از جمله رعایت کلیه مقررات و قوانین کشور اسلامی محل اقامت، احترام به مقدسات و شعائر دینی مسلمانان، عدم مبادرت به اقدامات خصمانه علیه امنیت کشور اسلامی، عدم تجاهر به منکرات، و عدم اقدام به جاسوسی به نفع حکومت‌های بیگانه.<sup>۲۶</sup>

در نظام حقوقی اسلام، قرارداد امان مانند عقود دیگر باید دارای شرایطی باشد. در غیر این صورت، قرارداد، فاقد صحت خواهد بود. از شرایط آن این است که اولاً، عقد امان باید دارای مشروعیت باشد؛ به این معنا که مفسده‌ای برای اسلام دربر نداشته باشد. صاحب جواهر در این خصوص می‌فرماید: اگر قرارداد امان دارای شرط یا هدفی باشد که خلاف شرع است و با آن واجب‌الزام نیست.<sup>۲۷</sup>

ثانیاً، قرارداد امان باید به مصلحت مسلمانان باشد. قرارداد امان نه تنها نباید خلاف مصالح مسلمانان باشد، بلکه باید برای نظام اسلامی منفعتی را در پی داشته باشد؛ مانند اینکه سبب روی آوردن کفار به اسلام شود و یا پیروزی سپاه اسلام بر دشمن را به همراه داشته باشد.<sup>۲۸</sup>

ثالثاً، قرارداد باید پیش از اسارت منعقد گردد؛ در غیر این صورت، نافذ نخواهد بود. صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید: «و اما وقته قبل الاسر بلا خلاف اجده فیه. فلا يجوز الاحاد الناس بعده بل فی المنتهی نسبه ذلک الی علمائنا و شافعی و

اکثر اهل العلم»<sup>۲۹</sup> اینموارد را می‌توان تحت عنوان «شرایط عقد امان» معرفی نمود. اما طرفین عقد (مؤمن و مستأمن) هم دارای شرایطی می‌باشند.

مستأمن کسی است که از مسلمانان مطالبه امانی کند و مؤمن مسلمانانی است که به مستأمن اعطای امانی نماید. در نفوذ امان، هریک از مسلمانان به هر کدام از کفار، چه یک نفر باشد و چه جمعیتی اندک در حدود دهنفر، می‌توانند امان دهند. در این زمینه، اختلافی وجود ندارد، اما امان دادن به گروهی از کفار یا جماعتی از آنها (مانند اهل یک شهر) در انحصار امام و یا نماینده وی می‌باشد.<sup>۳۰</sup>

مؤمن (عاقده) باید در اعطای امان دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱. کمال: امان‌دهنده باید عاقل و بالغ باشد. بنابراین، امان از طرف مجنون و کودک نافذ نیست.<sup>۳۱</sup>

۲. اختیار: امان از سوی مکره، به سبب فقدان شرط اختیار معتبر نیست.<sup>۳۲</sup>

۳. ابراز قصد: یعنی اینکه به هر صورتی، اعم از لفظ اشاره مفهومی و یا عمل، قصد خود را ابراز نماید. البته الفاظ به کار گرفته شده در امان باید صریح باشد؛ مانند اینکه بگوید: «امنتک» (به تو امان دادم) و یا: «أنت فی ذمّة الاسلام» (تو در پناه اسلام هستی).<sup>۳۳</sup>

۴. اسلام: امان‌دهنده باید مسلمان باشد. بنابراین، باین شرط امان از طرف مسلمان درست می‌باشد. و از طرف غیرمسلمان اعم از کافر ذمی و مرتد صحیح نمی‌باشد و نمی‌توانند اعطای امان نمایند.<sup>۳۴</sup>

### پناهندگی در حقوق بین‌الملل

از آن‌رو که مسئله پناهندگی روز به روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند، آشنایی پناهندگان با حقوق و وظایف خود امر ضروری به نظر می‌رسد. این آشنایی، هم موجب دفاع آگاهانه پناهندگان از حقوقشان می‌شود و هم آنها را با وظیفه قانونی خود آشنا می‌سازد. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو تعریف جامع و فراگیری از پناهنده ارائه داده است. در قسمتی از ماده مذکور، پناهنده به شخصی اطلاق شده که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌ها یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند - یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد - خود را تحت حمایت آن کشور قرار دهد. یا در صورتی که فاقد تابعیت است و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت



دایمی خود به سر می‌برد نمی‌تواند - یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد - به آن کشور بازگردد. این کنوانسیون افرادی را از شمول مقررات خود استثنا کرده است؛ از جمله: الف. افرادی که مرتکب جنایتی علیه صلح یا جنایت‌جنگی شده باشند.

ب. افرادی که پیش از آنکه در کشور پناه‌دهنده به‌عنوان پناهنده پذیرفته شوند در خارج از آن مرتکب جنایت عمده‌ای شده باشند که مشمول مجازات عمومی می‌باشد.

ج. افرادی که مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است شده باشند.<sup>۳۵</sup>

### حداقل حقوق پناهندگان در اسناد بین‌الملل

#### الف. رعایت حداقل استانداردها

برای بیگانگان متعهد حقوقی به نحوه عام در حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شده است که بالطبع پناهندگان رانیز شامل می‌شود. از جمله این حقوق، حقوق خصوصی است.

به طور معمول، بیگانگان از این حقوق برخوردار می‌باشند؛ زیرا این حقوق لازمه زندگی هر فرد از افراد بشر است و در این نوع حقوق بیگانگان و اتباع داخله نباید تفاوتی داشته باشند. دولت‌ها، یا با قانون یا عهدنامه و یا به شرط عمل متقابل بیگانگان را از این حقوق بهره‌مندی سازند.<sup>۳۶</sup>

از جمله حقوق خصوصی که به موجب عهدنامه‌ها به بیگانگان داده می‌شود می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. حق مالکیت بر اموال غیرمنقول؛

الف) حق تملیک و تحصیل اموال غیرمنقول برای سکونت یا شغل و صنعت؛

ب) حق نقل و انتقال و تحصیل و تصرف اموال منقول.

۲. از دیگر حقوق خصوصی که به موجب قوانین ولای یا شرط رفتار متقابل سیاسی در حدود معاهدات بیگانگان از آن بهره‌مند می‌شوند، حقوق مربوط به احوال شخصیه است. بعضی از دولت‌ها احوال شخصی اتباع بیگانه را مشمول قانون دولت متبوعه و برخی مشمول قانون اقامتگاه می‌دانند. امروزه در عرصه بین‌المللی بیشتر کشورها اجرای قانون ملی بیگانگان را در خصوص احوال شخصیه پذیرفته‌اند و از آن حمایت می‌کنند و این نظر عملاً در سطح بین‌المللی مجرست.

نکته قابل توجه در خصوص احوال شخصیه بیگانگان این است که بیگانه در کشور میزبان از حقوق بهره‌مند می‌شود که دولت متبوع آن را پذیرفته باشد؛ در غیر این صورت، بیگانه حق بهره‌مندی از حقوق مربوطه احوال شخصیه کشور محل اقامت را ندارد.

۳. از دیگر حقوق خصوصی که قانونگذار به شرط رفتار متقابل قانون‌گذاری و یا رفتار متقابل سیاسی یا عملی به اتباع خارجه اعطا کرده است استفاده از مزایای قانون ثبت علایم و اختراعات می‌باشد.

نوعی دیگر از حقوق که قوانین صراحتاً برای اتباع خارجه شناخته است، حق اجرای عقد ازدواج اتباع بیگانه و وسیله مأموران سیاسی یا کنسولی دولت متبوع است.<sup>۳۷</sup>

همچنین بیگانگان از حقوق قضایی کشور پذیرنده در حد متعارف برخوردارند و این حق را نمی‌توان از بیگانه سلب نمود. مهم‌ترین حقوق قضایی که بیگانگان از آن بهره‌مند می‌شوند حق ترافع قضایی است. هر کشوری که برای افراد بیگانه حقوقی قایل می‌شود باید برای این حقوق ضمانت اجرایی نیز در نظر بگیرد، تا بیگانگان نیز مانند اتباع داخلی بتوانند در مواردی که از موضوعی متضرر می‌گردند به محاکم کشور پذیرنده مراجعه نمایند. امروزه دولت‌ها موظفند حق مراجعه به دادگاه‌ها و اقدام دعوا را به بیگانگان اعطا کنند و دادگاه‌ها نیز موظفند در مورد بیگانگان مثل اتباع داخلی عدالت را به طور کامل اجرا نمایند. در غیر این صورت، هرگونه استنکاف از اجرای عدالت، دولت را از نظر بین‌المللی مسئول قرار خواهد داد.

بر اساس ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر کسی حق دارد که دعوایش در دادگاه صالح رسیدگی شود، اعم از اینکه بیگانه باشد یا تبعه آن کشور.<sup>۳۸</sup>

#### ب. اعلامیه جهانی حقوق بشر

اگرچه این اعلامیه به انگیزه حمایت از پناهندگان تدوین گردیده، اما در بردارنده حقوقی است برای همه انسان‌ها صرف نظر از تابعیت و تعلق آنها به کشور یا مذهب خاص؛ چنان‌که در مقدمه آن آمده است: «مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر آرمان مشترکی را برای مقام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و هم‌پارکان اجتماع این اعلامیه را دایم مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند تا به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد. و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهای دیگر که در قلمرو آنها می‌باشند، تأمین گردد.» اساسی‌ترین حقوق پیش‌بینی شده در این اعلامیه که شامل پناهندگان هم می‌شود عبارت‌اند از:

۱. حق زندگی و امنیت شخصی (ماده ۳)؛

۲. برخورداری از تمام حقوق و آزادی‌ها (ماده ۲)؛

۳. حق مراجعه به محاکم ملی صالحه برای احقاق (ماده ۸)؛
۴. حق برخورداری از رفتار موافق شئون بشری و منعشکنجه (ماده ۵)؛
۵. منع بردگی و دادوستد بردگان به هر نوع (ماده ۴)؛
۶. برابری همه افراد بشر در برابر قانون (ماده ۷)؛
۷. داشتن شخصیت حقوقی به عنوان یک انسان در مقابل قانون (ماده ۶)؛
۸. حق استقلال در زندگی خصوصی و امور خانوادگی در مقابل مداخله‌های خودسرانه (ماده ۱۲)؛
۹. حق عبور و مرور آزادانه و ترک کشور (ماده ۱۳)؛
۱۰. حق پناهندگی در سایر کشورها در مقابل تعقیب، شکنجه و آزار (ماده ۱۴)؛
۱۱. حق داشتن تابعیت (ماده ۱۵)؛
۱۲. حق مالکیت (ماده ۱۷)؛
۱۳. حق داشتن مذهب و تغییر آن و انجام مراسم آن (ماده ۱۸)؛
۱۴. حق آزادی عقیده و بیان (ماده ۱۹)؛
۱۵. حق بهره‌مندی از امنیت اجتماعی (ماده ۲۲)؛
۱۶. حق انتخاب حرفه و شغل (ماده ۲۳)؛
۱۷. حق تأمین اجتماعی و رفاهی (ماده ۲۴ و ۲۵)؛
۱۸. حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی و هنری (ماده ۲۶-۲۷).<sup>۳۹</sup>

### ج. اعلامیه اسلامی حقوق بشر

- اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز با تأکید بر همبستگی انسان‌ها با یکدیگر، حقوقی را به عنوان حقوق غیرقابلسلب برای همه انسان‌ها پیش‌بینی نموده است. این حقوق صرف‌نظر از وضعیت تابعیتی فرد، برای او متصور است. از جمله این حقوق می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
۱. حق حیات (ماده ۲)؛
۲. حق دفاع از آوازه و شهرت خود در زندگی و پس از مرگ (ماده ۴)؛
۳. حق داشتن شخصیت حقوقی و یا قیم (ماده ۸)؛
۴. حق طلب علم (ماده ۹)؛
۵. حق نقل و انتقال و انتخاب مکان (ماده ۱۲)؛
۶. حق کار و پیشه (ماده ۱۴ و ۱۳)؛
۷. حق مالکیت (ماده ۱۵)؛
۸. حق مساوات در مقابل دادگاه و قانون (ماده ۱۹)؛
۹. آزادی بیان در محدوده مقررات شرعی (ماده ۲۲)؛
۱۰. حق امنیت فردی و استقلال در امور خانوادگی

و خصوصی (ماده ۱۸).<sup>۴۰</sup>

### د. کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو

- این کنوانسیون را می‌توان اصلی‌ترین منبع حقوق‌پناهندگی در مقررات بین‌المللی دانست که در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در ژنو به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. اهم تعهدات این کنوانسیون عبارت است از:
- عدم تبعیض (ماده ۳): دولت‌های متعاقد مقررات این کنوانسیون را بدون تبعیض از لحاظ نژاد یا مذهب یا سرزمین اصلی درباره پناهندگان اجرا خواهند نمود.
- دین (ماده ۴): دولت‌های متعاقد در سرزمین خود نسبت به آزادی پناهنده در اجرای امور دینی و دادن تعمیمات مذهبی به کودکان خود، رفتاری دست‌کم در حد رفتار نسبت به اتباع خود دارند.
- اشتغال با دستمزد (ماده ۱۷): در مورد حق اشتغال به کار با دستمزد، هر دولت متعاقد نسبت به پناهندگانی که به‌طور منظم در سرزمین او سکونت کرده‌اند مطلوب‌ترین رفتاری را که در چنین مواردی نسبت به اتباع دول بیگانه معمول می‌دارد به عمل خواهد آورد.
- ماده ۱۸ و ۱۹ نیز در مورد فراهم آوردن زمینه اشتغال به کارهای صنعتی، تجاری، کشاورزی و هر نوع فعالیت‌تعلیمی توصیه می‌کند.
- جیره‌بندی (ماده ۲۰): در صورتی که نظام جیره‌بندی وجود داشته باشد و توزیع محصولات کمیاب در میان عموم مردم طبق سهمیه صورت گیرد، نسبت به پناهندگان نیز مانند اتباع کشور رفتار خواهد شد.
- آزادی رفت و آمد (ماده ۲۶): هریک از دول متعاقد به پناهندگان طبق قانون اجازه رفت‌وآمد در سرزمین خود را خواهند داد. این آزادی رفت‌وآمد مشروط به رعایت مقرراتی است که عموماً در این گونه موارد در باره‌خارجیان اجرا می‌شود. تعالیمات عمومی (ماده ۲۲):
۱. در مورد تحصیلات ابتدایی، دول متعاقد نسبت به پناهندگان مانند اتباع خود رفتار خواهند نمود.
  ۲. در مورد تحصیلات غیرابتدایی و بخصوص در مورد حق اشتغال به تحصیل و تعیین ارزش مدارک و تحصیلی دیپلم‌ها و دانشنامه‌های صادره از ممالک خارجی و تخفیف حقوق و عوارض مربوط به اعطای کمک هزینه به پناهندگان، رفتاری معمول خواهند داشت که تا سرحد امکان مساعد بوده و در هر حال، از رفتاری که نسبت به بیگانگان به طور کلی به عمل می‌آید نامساعدتر نباشد.
- حق مراجعه به دادگاه (ماده ۱۶):



۱. هر پناهنده می‌تواند در سرزمین دول متعاهد آزادانه بهمحاکم قضایی مراجعه نماید.

۲. هر پناهنده در سرزمین دولت متعاهدی که محلسکونت عادی اوست، در مورد دسترسی به دادگاه‌ها، از جمله استفاده از معاهدات قضایی و معافیت از سپردنمخارج و هزینه‌های دادرسی، از همان رفتاری که دربارهاتابع دولت مزبور به عمل می‌آید، بهره‌مند خواهد شد.

۳. هر پناهنده در سرزمین‌های دول متعاهد دیگر غیراز محل سکونت دایمی خود در مورد مسائل مندرج در بند ۲ از رفتاری برخوردار خواهد شد که درباره اتباع کشور محل سکونت دایمی وی به عمل می‌آید.

**مالکیت معنوی و صنعتی (ماده ۱۴):** در مورد حمایت از مالکیت صنعتی بخصوص حمایت از اختراعات، طرح‌ها و مدل‌ها علاوه بر تجاری، اسامی تجاری و همچنین حمایت ادبی و هنری و علمی پناهنده در کشوری که معمولاً سکونت دارد، مورد همان حمایتی واقع خواهد شد که از اتباع کشور مزبور به عمل می‌آید.

**انتقال دارایی (ماده ۳۰):**

۱. هر یک از دول متعاهد طبق قوانین و مقررات خود به پناهندگان اجازه خواهند داد دارایی خود را که وارد سرزمین دولت نموده‌اند، به سرزمین دولت دیگری که به آنها اجازه استقرار مجدد داده است انتقال دهند.

۲. هر یک از دول متعاهد تقاضای پناهندگان را دایر بر موافقت با انتقال هرگونه دارایی به کشور دیگری که با استقرار مجدد آنان موافقت کرده است، با نظر مساعدت مورد توجه خواهند داد.<sup>۴۱</sup>

### وظایف پناهندگان نسبت به دولت میزبان

با همه تأکیدی که نسبت به لزوم پذیرش پناهندگان و رعایت حقوق آنان شده است، هیچ‌گاه پذیرش پناهنده از طرف دولت‌ها و جوامع بشری بی‌قید و شرط نبوده‌است، بلکه پناهندگان در کنار برخورداری از امنیت اجتماعی و وظیفه دارند مقرراتی را به نفع دولت میزبان رعایت کنند. ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو مقرر می‌دارد: هر پناهنده در کشوری که به سر می‌برد دارای وظایفی است که به موجب آن، ملزم به رعایت قوانین و مقررات آن کشور و اقداماتی است که برای حفظ نظم عمومی به عمل می‌آید.

در ماده ۲۶ کنوانسیون مزبور آمده است: پناهنده در ارتباط با رفت و آمد، باید مقررات عمومی را که نسبت به خارجی‌ان اعمال می‌شود، رعایت کند. در ماده ۲۹ کنوانسیون آمده است:

پناهندگان مکلف به پرداخت مالیاتی مشابه مالیات اتباع داخلی یک کشور هستند. ماده ۳۲ نیز می‌گوید: پناهندگان مکلف به رعایت نظم عمومی و امنیت ملی هستند و در صورت نقض آن، دولت پذیرنده می‌تواند آنان را اخراج کند.

بنابراین، هر حقی ملازم با یک سلسله تکالیف و وظایف است؛ همچنان‌که پناهنده حقوقی نسبت به دولت پذیرنده دارد، مکلف به رعایت قوانین و مقرراتی است که در خصوص پناهندگان وضع می‌شود. مهم‌ترین قوانین، محدودیت‌هایی است که کشور میزبان برای حفظ امنیت ملی و نظم عمومی جامعه در خصوص رفت و آمد پناهندگان وضع می‌کند.<sup>۴۲</sup>

### ماهیت پناهندگی در حقوق بین‌الملل

در خصوص مسئله پناهندگی این سؤال مطرح است که آیا پناهندگی برای افراد یک حق است که در شرایط خاص از آن استفاده کنند و نسبت به دولت مورد درخواست پناهندگی یک تکلیف به شمار می‌آید؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: افراد در شرایط خاص که در معرض خطر و ترس باشند، حق خواهند داشت به کشورهای دیگر پناهنده شوند و کشور مورد تقاضا مکلف به پذیرش آنهاست. البته باید در توضیح این مطلب گفت که در عمل کشورها بر اساس مصالح و سیاست‌های خاص و رعایت موازین اخلاقی و دینی اقدام به پذیرش پناهندگان می‌نمایند.

ماده ۳۱ کنوانسیون در خصوص پناهندگانی است که به صورت غیر قانونی در کشور پناهنده به سر می‌برند:

۱. دول متعاهد پناهندگانی را که مستقیماً از سرزمینی که در آنجا زندگی می‌کرده‌اند و چون آزادی‌شان در معرض تهدید بود بدون اجازه به سرزمین آنها وارد شده یا در آنجا به سر می‌برند مجازات نخواهند کرد، مشروط بر اینکه بدون درنگ خود را به مقامات مربوط معرفی کرده، دلایل قانع‌کننده‌ای برای ورود یا حضور غیرقانونی خود ارائه دهند.

۲. دول متعاهد نسبت به رفت و آمد این قبیل پناهندگان محدودیت‌هایی غیر از آنچه لازم باشد، قابل نخواهند شد و محدودیت مزبور فقط تا موقعی خواهد بود که وضع این قبیل پناهندگان در کشور پناهنده پذیرتیمین نشده است یا اجازه ورود به کشور دیگری را تحصیل نکرده‌اند.

در ماده ۳۳ در خصوص منع اخراج یا اعاده پناهندگان آمده است: هیچ‌یک از دول متعاهد به هیچ وجه پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که ممکن است به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت یا عضویت در دست‌های اجتماعی بخصوص، یا دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی یا آزادی‌اش در معرض تهدید واقع شود

تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.

با تأمل و دقت در این مواد، پاسخ سؤال مزبور به خوبی روشن می‌شود: روح حاکم بر این کنوانسیون قایل به حق پناهندگی برای افرادی است که در معرض خطر و ترس هستند و از سوی دیگر، تکلیفی است که بر عهده دولت‌های متعاقد نسبت به پذیرش این افراد گذشته شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۴ بیان می‌دارد: «هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه، و آزار، پناهمگاهی جست‌وجو کند و در کشورهای دیگر پناهاختیار کند.»

در هر دو اعلامیه به حق پناهندگی تصریح شده است. لازمه حق پناه‌خواهی، تکلیف کشور مورد درخواست قبول پناهندگی است؛ زیرا در غیر این صورت، اعتبار حقبرای پناهنده بی‌فایده و لغو خواهد بود. در ادامه بحث ماهیت پناهندگی از دیدگاه فقهی و حقوقی، به این نتیجه می‌رسیم که پناهندگی از دید فقهی ماهیت عقد دارد و فقط در جایی که با اطلاع از مسائل مذهبی درخواست پناهندگی می‌کند جنبه حق - تکلیفی پیدا می‌کند؛ اما در حقوق بین‌الملل جنبه حق و تکلیفی بدین صورت است: حق برای پناهنده و تکلیف برای کشور پذیرنده.

پس از اذعان به اینکه پناه دادن، تکلیفی برای دولت و حقی برای متقاضی پناهندگی است، بجاست اشاره‌ای بهوظایف دولت میزبان (معاهده ۱۹۵۱ ژنو) داشته باشیم.

عدم تبعیض: دول متعاقد، مقررات این کنوانسیون را بدون تبعیض از نظر نژاد، مذهب یا سرزمین اصلی دربار پناهندگان اجرا خواهند نمود. (ماده ۳)

مذهب: دولت‌های متعاقد مکلفند در سرزمین خود نسبت به پناهندگانی که در خاکشان به سر می‌برند در اجرای امور دینی و دادن تعلیمات مذهبی به کودکان، دست‌کم همان رفتاری را که نسبت به اتباع خود دارند در مورد آنها رعایت نمایند. (ماده ۴)

معافیت از رفتار متقابل: هر دولت متعاقد موظف است همان رفتاری را که با خارجیان دارد، در مورد پناهندگان نیز داشته باشد. همه پناهندگان پس از سه سال اقامت در کشور متعاقد از اصل معافیت رفتار متقابل در قانون‌گذاری برخوردار خواهند شد. (ماده ۷)

اشتغال درآمدزا: دولت‌های عضو کنوانسیون متعهدند در مورد پناهندگانی که در خاکشان اقامت قانونی دارند، مطلوب‌ترین رفتار را که در هر صورت از رفتار با سایر خارجیان در شرایط مشابه کمتر نخواهد بود داشته باشند. به هر حال، اقدامات محدودکننده‌ای که ممکن است بر سایر بیگانگان در این مورد اعمال شود به پناهندگان تسری نخواهد یافت. (ماده ۱۷)

اسکان و آموزش عمومی و رفاه همگانی: در این زمینه‌ها، دولت‌های متعاقد باید امکاناتی فراهم کنند که در هر حال، از تسهیلات برای خارجیان در شرایط مشابه کمتر نباشد. (ماده ۲۱ و ۲۲) دولت‌ها همچنین در مورد تأمین اجتماعی، قوانین مربوط به کار، کمک اداری، آزادی رفت و آمد، صدور کارت شناسایی و صدور اسناد مسافرتی برای سفر به خارج از کشور تعهداتی نسبت به پناهندگان دارند که در هر حال کمتر از تعهد رفتار با سایر خارجیان خواهد بود. با وجود این، کنوانسیون صدور سند مسافرتی خارج برای پناهنده را در شرایطی که این امر ناقض امنیت ملی کشور پذیرنده باشد مستثنا کرده است. ۴۳

نکته حایز اهمیت این است که هر چند کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد پناهندگان قواعد بین‌المللی را به‌تصویب رسانده‌اند که در بردارنده حقوق آن‌هاست، اما این مقررات فاقد ضمانت اجرایی لازم بود و به همین دلیل، دولت‌ها خود را ملزم به رعایت آنها نمی‌دیدند و معمولاً در پذیرش و اعطای پناهندگی اصل حاکمیت ملی را به عنوان راهنمایی خود قرار می‌دادند. به این ترتیب، کشورهای مختلف راه‌هایی را به کار می‌گیرند که هدف‌های سیاسی آنها ایجاب می‌کند. در چنین شرایطی، ممکن است پناهندگان در یک کشور با استقبال روبه‌رو شوند و در کشور دیگر مورد بی‌مهری قرار گیرند.

#### نتیجه‌گیری

۱. پناهنده در فقه اسلام و حقوق موضوعه این وجه اشتراک را دارد و عبارت از بیگانه‌ای است که به سرزمین پذیرنده به‌منظور پناهندگی وارد شده و قصد اقامت دائم ندارد.

۲. در حقوق موضوعه، پناهنده در کشور خود در معرض خطر است و به علل سیاسی، مذهبی، نژادی یا عضویت در گروه‌های خاص اجتماعی از ترس جان و مالو شکنجه خود و افراد خانواده‌اش که تحت تکفل اومی باشد به کشور پذیرنده پناهنده می‌شود. بنابراین بیندو مفهوم پناهنده در اسلام و حقوق بین‌الملل، نسبت‌عموم و خصوص من وجه برقرار است. نتیجه آنکه عناصر اساسی پناهندگی در فقه اسلامی و حقوق موضوعه نوعی ترس موجه است، منتها با این تفاوت که در حقوق موضوعه مسئله ترس از تعقیب و آزار مطرح است - و چون ترس مفهوم ذهنی و نسبی است، تشخیص دقیق و همه‌جانبه آن به توجه به اوضاع و احوال پناهنده و کشور محل سکونت دایمی وی مورد ارزیابی و دقت قرار می‌گیرد - و در فقه اسلامی، اختلاف دینی و در واقع شرک‌کنصر اساسی در

پناهندگی است. پناهنده در فقه اسلامی باید کافر حربی یا کافر ذمی باشد که مقررات عقد ذمه رانقص کرده باشد. در حقیقت، مشرکان به علت ترس از تعقیب و مجازات به خاطر عقیده از دارالاسلام تقاضای پناهندگی کردند تا با حفظ اعتقادات و آداب و رسوم خود- البته با رعایت شرایط خاص - از حمایت دولت اسلامی بهره‌مند گردند.

۳. پناهندگی از دید فقهی ماهیت عقدی دارد و تنها در موردی که پناهنده به خاطر اطلاع از مسائل مذهبی اسلام تقاضای پناهندگی می‌شود جنبه حق - تکلیفی پیدامی‌کند. حال آنکه پناهندگی در حقوق بین‌الملل جنبه حقو تکلیفی دارد؛ حقی برای پناهنده و تکلیفی برای کشور پذیرنده.

۴. با توجه به تأکیدات فراوان در زمینه حقوق پناهندگان، ملاحظه می‌شود که دولت‌ها در خصوص پذیرش و اعطای پناهندگی به افراد در چارچوب اهداف سیاسی خود عمل می‌نمایند. هر چند که کنوانسیون‌های بین‌المللی طرح‌هایی را در این زمینه عرضه داشته‌اند، ولی این مقررات هیچ‌گاه از ضمانت اجرایی لازم برخوردار نبوده است.

۵. از مهم‌ترین تکالیف پناهندگان ساکن در دولت پذیرنده، رعایت قوانین و مقررات دولت محل اقامتی باشد. آنان باید از دست زدن به اموری که با نظم عمومی جامعه مغایرت دارد و باعث اختلال در نظم عمومی کشور می‌گردد خودداری نمایند. اگر پناهنده این مقررات را رعایت نکند دولت پذیرنده می‌تواند او را از سرزمین خود اخراج کند.

.....!!!!!!

۱ - محمدجعفر جعفر لنگرودی، *ترمینولوژی حقوق*، ص ۶۴۶، ش ۵۱۵۲.

۲ - ناصر مکارم شیرازی، *الامثل فی تفسیر کتاب اللّه المنزل*، ج ۳، ص ۴۱۰.

۳ - اردشیر امیرارجمند، *مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، ج ۱، ص ۴۵۴.

۴ - محمد ابراهیمی، *اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی*، ج ۲، ص ۳۱۶.

۵ - محمد رضا ضیائی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ص ۳۴.

۶ - محمد ابراهیمی، همان، ج ۲، ص ۳۳۳-۳۳۲.

۷ - زین‌الدین جبلی عاملی شهید ثانی، *مسالك الافهام*، ج ۳، ص ۲۸.

۸ - محمد بن حسن طوسی، *المبسوط*، ج ۲، ص ۱۴۲.

۹ - محمد ابراهیمی، همان، ج ۲، ص ۳۸۸.

۱۰ - همان، ص ۳۵۴.

۱۱ - محمدجعفر جعفری لنگرودی، همان، ص ۷۸۰، ش ۶۱۰.

۱۲ - حسن بن یوسف حلی علامه حلی، *تذکره الفقهاء*، ج ۱، ص ۴۱۴.

۱۳ - محمد حسن نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۲۱، ص ۹۲.

۱۴ - محمد صادق عقیفی، *الاسلام و العلاقات الدولية*، ص ۳۱۹.

۱۵ - شهید ثانی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة*، ج ۲، ص ۳۹۶.

۱۶ - سید محمد قاری سید فاطمی، «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین‌المللی»، *نامه مفید*، ش ۱، ص ۱۵۹.

۱۷ - محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۹۲.

۱۸ - محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۲، ص ۳۶-۴۳.

۱۹ - سید محمد قاری سید فاطمی، همان، ص ۱۶۰.

۲۰ - ابوالفضل شکوری، *فقه سیاسی در اسلام*، ص ۴۸۲-۴۹۳.

۲۱ - محمد رضا ضیائی بیگدلی، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، ص ۸۸.

۲۲ - مصطفی دانش‌پژوه، *اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی*، ص ۲۴۱.

۲۳ - جعفر بن محمد حلی، *شرائع الاسلام*، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲۴ - محمد کریم اشراق، *تاریخ مقررات جنگ در اسلام*، ص ۳۵۰-۳۵۱.

۲۵ - توبه: ۶.

۲۶ - محمد رضا ضیائی بیگدلی، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، ص ۹۰-۹۱.

۲۷ - محمد حسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۹۷.

۲۸ - حسن‌بن یوسف حلی، **قواعد الکلام**، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲۹ - محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۱۰۰.

۳۰ - مصطفی دانش‌پژوه، همان، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۳۱ - محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۹۴.

۳۲ - مصطفی دانش‌پژوه، همان، ص ۲۴۹.

۳۳ - محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۹۹.

۳۴ - همان، ص ۹۵.

۳۵ - حمید نظری تاج‌آبادی، **بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله بناهندگی**، ص ۳۳-۳۵.

۳۶ - بهشید ارفع‌نیا، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳۷ - محمد نصیری، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، ج ۱ و ۲، ص ۱۱۸-۱۱۵.

۳۸ - مصطفی دانش‌پژوه، همان، ص ۲۷۶.

۳۹ - اردشیر امیرارجمند، همان، ج ۲، ص ۷۷-۷۱.

۴۰ - مرکز مطالعاتی حقوق بشر، **گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۳۹.

۴۱ - اردشیر امیرارجمند، همان، ج ۲، ص ۴۶۸-۴۵۷.

۴۲ - محمد ابراهیمی، همان، ج ۲، ص ۳۸۷.

۴۳ - حمید نظری تاج‌آبادی، همان، ص ۴۳.

.....!!!!

۱ - ابراهیمی محمد، **اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران، مهر، ۱۳۷۷.

۲ - امیرارجمند، اردشیر، **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

۳ - الاشراق، محمدکریم، **تاریخ و مقررات جنگ در اسلام**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.

۴ - ارفع‌نیا، بهشید، **حقوق بین‌الملل خصوصی تابعیت اقامتگاه وضع بیگانگان**، ج ۱، چهارم، تهران، آگاه، ۱۳۷۳.

۵ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی**

**حقوق**، چ دهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.

۱ - دانش‌پژوه، مصطفی، **اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی (تابعیت و وضعیت بیگانگان)**، قم، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.

۲ - دهخدا، علی‌اکبر، **لغتنامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۰.

۳ - عاملی، زین‌الدین جبلی (شهید ثانی)، **مسالك الافهام**، قم، مؤسسة المعارف اسلامی، ۱۴۱۴ ق.

۴ - طوسی، جعفر بن محمد، **المسبوط فی فقه الامامیه**، تهران، المطبعة الخیدریه، ۱۳۸۷.

۵ - شکوری، ابوالفضل، **فقه سیاسی در اسلام**، چ دوم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۶ - عاملی، زین‌الدین جبلی، **الروضه البهیة فی شرح المعه‌الدمشقیة**، بیروت، دارالاحیاء، التراث العربیه، ۱۴۱۲ ق.

۷ - ضیائی بیگدلی، محمدرضا، **اسلام و حقوق بین‌الملل**، چ پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸.

۸ - ضیائی بیگدلی، محمدرضا، **حقوق بین‌الملل عمومی**، چ سی و دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۷.

۹ - حلی، حسن‌بن یوسف، **قواعد الاحکام**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۱۰ - \_\_\_\_\_، **تذکره الفقهاء**، قم، المكتبة الرضویة الاحیاء الآثار الجعفری، پ.تا.

۱۱ - عفیفی، محمدصادق، **الاسلام و العلاقات الدولية**، ط. الثانية، بیروت، دارالرائد العربی، ۱۹۸۶ م.

۱۲ - مرکز مطالعات حقوق بشر، **گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

۱۳ - حلی، جعفر بن محمد، **شرایع الاسلام**،

۲۸ - حسن‌بن یوسف حلی، **قواعد الکلام**، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲۹ - محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۱۰۰.

۳۰ - مصطفی دانش‌پژوه، همان، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۳۱ - محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۹۴.

۳۲ - مصطفی دانش‌پژوه، همان، ص ۲۴۹.

۳۳ - محمدحسن نجفی، همان، ج ۲۱، ص ۹۹.

۳۴ - همان، ص ۹۵.

۳۵ - حمید نظری تاج‌آبادی، **بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله بناهندگی**، ص ۳۳-۳۵.

۳۶ - بهشید ارفع‌نیا، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳۷ - محمد نصیری، **حقوق بین‌الملل خصوصی**، ج ۱ و ۲، ص ۱۱۸-۱۱۵.

۳۸ - مصطفی دانش‌پژوه، همان، ص ۲۷۶.

۳۹ - اردشیر امیرارجمند، همان، ج ۲، ص ۷۷-۷۱.

۴۰ - مرکز مطالعاتی حقوق بشر، **گزیده‌ای از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۳۹.

۴۱ - اردشیر امیرارجمند، همان، ج ۲، ص ۴۶۸-۴۵۷.

۴۲ - محمد ابراهیمی، همان، ج ۲، ص ۳۸۷.

۴۳ - حمید نظری تاج‌آبادی، همان، ص ۴۳.

.....!!!!

۱ - ابراهیمی محمد، **اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران، مهر، ۱۳۷۷.

۲ - امیرارجمند، اردشیر، **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.

۳ - الاشراق، محمدکریم، **تاریخ و مقررات جنگ در اسلام**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.

۴ - ارفع‌نیا، بهشید، **حقوق بین‌الملل خصوصی تابعیت اقامتگاه وضع بیگانگان**، ج ۱، چهارم، تهران، آگاه، ۱۳۷۳.

۵ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، **ترمینولوژی**

- 
- تهران، استقلال، پ.تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، *الامثل فی تفسیر کتاب اللّٰه المنزل*، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب، ۱۴۲۱ق.
- نظری تاج آبادی، حمید، *بررسی جنبه های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹.
- نجفی، محمدحسن، *جوواهر الکلام*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ق.
- نصیری محمد، *حقوق بین الملل خصوصی کلیات، تابعیت، اقامتگاه*، چ دوم، تهران، آگاه، ۱۳۷۴.
- سیدفاطمی، سیدمحمد قاری، «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین المللی»، *نامه مفید*، ش ۱، ۱۳۷۴.

